

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶، تابستان ۱۳۹۴

مناسبات تجاری جمهوری‌های ونیز و جنوا با ایران عصر ایلخانی

ولی دین‌پرست^۱

ناصر صدقی^۲

سعیده سوری^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۳/۸/۴

چکیده

یکی از تحولات عصر مغول در عرصه جغرافیای سیاسی قرار گرفتن آسیای میانه، دشت قپچاق، ایران، قفقاز و آناتولی در حاکمیت مغولان بود. از نتایج بلافصل چنین دگرگونی‌ای در نواحی نام‌برده، گسترش مناسبات تجاری و بازرگانی بین اقوام و ملل مختلف آسیایی بود که طی چندین دهه آینده آثار آن به سرزمین‌های غربی آسیا از جمله به اروپا هم رسید. در چنین وضعیتی، یکی از فعال‌ترین

۱. استادیار تاریخ دانشگاه تبریز؛ vali_dinparast@yahoo.com

۲. دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز؛ n_sedghi@tabrizu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد تاریخ جهان دانشگاه تبریز؛ saeide.soori@yahoo.com

مناطق‌ی که در گسترش مناسبات تجاری بین آسیا و اروپا آن‌هم با محوریت ایران ظاهر شد، دولت شهرهای ایتالیایی ونیز و جنوا بود. موضوع این پژوهش، چگونگی مناسبات تجاری این دولت شهرها، ونیز و جنوا، با مراکز تجاری ایران و ایلخانان است. موقعیت جغرافیایی ایران در حد فاصل ارتباط شرق و غرب و سیاست‌های ایلخانان در زمینه حمایت ویژه از تجارت و جلب تجار اروپایی موجب روی آوردن تجار ونیزی و جنوایی به ایران شد؛ همچنان‌که در سوی دیگر توسعه کارگاه‌های ابریشم‌بافی در شهرهای ایتالیا و نیاز مبرم به ابریشم خام آسیا در کنار سایر تولیدات مشرق‌زمین نظیر ادویه‌جات و دیگر مواد خام تولیدی، انگیزه‌های قدرتمندی برای توجه تجار جمهوری‌های ونیز و جنوا به مراکز تجاری ایران بود؛ به‌طوری که آنان از یک سو پارچه‌های کتان، نخی و پشمی، چوب، فلز و شمش‌های طلا و نقره را از اروپا به آسیا وارد می‌کردند و از دیگر سو، محصولات و کالاهایی همچون ابریشم خام ایران و چین، ادویه هند، زعفران، زاج، پنبه و بردگان دشت‌های قپچاق را به اروپا منتقل می‌کردند.

واژه‌های کلیدی: ایران، ایلخانان، ونیز، جنوا، تجارت، راه‌های تجاری.

۱. مقدمه

توجه به زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی، و روند مناسبات تجاری ایران و دولت‌شهرهای ایتالیایی در عهد ایلخانی براساس مراجعه به منابع و اسناد مرتبط، موضوع محوری این پژوهش است. به‌تازگی درباره تجارت دولت‌شهرهای ایتالیایی ونیز و جنوا با ایران در عهد ایلخانی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که در

نوع خود درخور توجه است. در کتاب شهر، سیاست و اقتصاد عهد ایلخانان^۱ اثر سید ابوالفضل رضوی به طور پراکنده مسئله حضور تجار دولت شهرهای ایتالیا در قلمرو ایلخانان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، در برخی آثار پژوهشی دیگر همچون «جایگاه اقتصادی آناتولی در عصر سلجوقیان و ایلخانان»^۲ و «تجارت و راه‌های ارتباطی آناتولی در زمان ایلخانان»^۳ نحوه شکل‌گیری مناسبات تجاری و مسیرهای روابط تجاری ایلخانان با اروپا و غرب سرزمین‌های اسلامی به مرکزیت سرزمین آناتولی بررسی شده است. تازه‌ترین پژوهش درباره موضوع مورد بحث، مقاله «روابط تجاری ایران و جنوا در عهد ایلخانان»^۴ است که بخشی از مباحث مربوط به پژوهش حاضر را دربرمی‌گیرد.

در پژوهش حاضر، براساس مراجعه به منابع تاریخی تکمیلی و به‌منظور تکمیل پژوهش‌های پیشین، ابعاد رقابت دو دولت شهر ایتالیایی و نیز جنوا را در برقراری رابطه تجاری با مغولان نشان داده و یافته‌هایی دقیق و مستند در مورد مسیرهای تجاری شمال و جنوب و گونه‌های کالاهای مورد تجارت طرفین در مسیرهای تجاری شرق و غرب بیان کرده‌ایم. در این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش‌هایم: تجار ونیزی و جنوایی در فضای رقابت با همدیگر، در چه شرایطی وارد مناسبات تجاری با ایلخانان شدند؟ با توجه به چه ضرورت‌هایی مراکز تجاری خود را از مصر و مدیترانه به مرکز تجاری تبریز منتقل کردند؟ در جریان مناسبات تجاری شرق و غرب چه سهمی داشتند؟

با فروپاشی خلافت عباسی در مرکز عراق و خارج شدن عراق از مرکزیت سیاسی - اقتصادی جهان اسلام که از نتایج حمله مغولان بود، تغییرات بسیاری در مسیرهای ارتباطی و در نتیجه راه‌های تجاری پدید آمد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها انحطاط جایگاه مسیر

۱. رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۹۰). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

۲. رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۹۰). «جایگاه اقتصادی آناتولی در عصر سلجوقیان و ایلخانان». تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام. س ۲. ش ۳. صص ۸۳-۱۰۹.

۳. امامی خویی، محمدتقی (۱۳۸۵). «تجارت و راه‌های ارتباطی آناتولی در زمان ایلخانان». پژوهشنامه علوم انسانی. ش ۵۲. صص ۷۷-۹۲.

۴. کریمی، علیرضا و محمد رضائی (۱۳۹۲). «روابط تجاری ایران و جنوا در عهد ایلخانان». مجله تاریخ اسلام و ایران. ش ۱۰۸. صص ۵۱-۶۸.

ارتباطی و تجاری خراسان- بغداد و تغییر آن به خراسان- آذربایجان و آناتولی و از آن طریق دریای سیاه و مدیترانه بود که زمینه‌ساز اهمیت شاه‌راه تجاری خاور دور با اروپا از راه ایران شد. در این دوره، تحت حمایت خوانین مغول، مناسبات تجاری چین و دیگر سرزمین‌های شرقی و مرکزی آسیا با غرب آسیا و ممالک فرنگ در دو مسیر مهم انجام می‌شد: یکی از طریق چین- ترکستان- شمال دریای خزر تا بلاد بنادر دریای سیاه همچون کافا^۱ در شبه جزیره کریمه و دیگری از طریق چین- ترکستان- خراسان- آذربایجان- طرابوزان در آناتولی و از آنجا به مدیترانه و دریای سیاه؛ به طوری که ایران در کانون مسیر دوم قرار داشت. اهمیت یافتن راه ارتباطی و تجاری چین با غرب آسیا و اروپا به محوریت ایران، دیری نگذشت که تحت حمایت‌های سیاسی ایلخانان، به بستری اساسی برای ارتباط تجاری ایران با دولت‌شهرهای ایتالیایی مبدل شد. همچنان که در سوی دیگر، ونیزیان با دریافت اخبار مربوط به آغاز فصلی جدید در موقعیت تجاری بخش‌های شمال غربی ایران که در حال تبدیل شدن به مرکزیت سیاسی ایلخانان بود، در رقابت با جنوایی‌ها که عموماً در حوزه مسیر تجاری شمالی و شعبات فرعی آن فعال بودند، فعالیت‌های تجاری خویش را در مسیر تجاری جنوبی به مرکزیت تبریز متمرکز کردند. به‌ویژه اینکه تبعیض و سیاست‌های مالیاتی سخت و بازدارنده ممالیک مصر در قبال تجار ایتالیایی و رفتار انحصارطلبانه تجار ممالیک مصر با ونیزیان- که با تحمل هرگونه خواری و به‌ناچار کالاهای شرقی را از آن‌ها می‌خریدند و به اروپا می‌بردند- در توجه ونیزی‌ها به تجارت با ایلخانان و حضورشان در تبریز بی‌تأثیر نبوده است. همچنان که سیاست‌های مبتنی بر تساهل مذهبی ایلخانان با مسیحیان و خوش‌رفتاری‌شان با بازرگانان و تلاش آن‌ها برای ایجاد امکانات و امنیت نسبی برای فعالیت‌های تجاری بازرگانان، باعث اشتیاق سوداگران اروپایی به ارتباط با مراکز تجاری ایران در قلمرو سیاسی ایلخانان شده بود.

۱. Caffa ریشه این کلمه عربی است و تحریف کافر است. این واژه به معنای نامؤمن است. بعد از پیروزی تاتارها، آن‌ها نام این شهر را تغییر دادند. این حوادث در قرن دوازدهم میلادی رخ داد که جنگ‌های صلیبی جریان داشت و امپراتوری رم شرقی در نهایت ضعف به سر می‌برد (ژان، شاردن، ۱۳۷۲: ۹۹).

۲. زمینه‌های حضور تجار ونیزی و جنوایی در ایران ایلخانی

در نگاه اول، برای پی بردن به آغاز روابط دولت‌شهرهای ایتالیا و ایران که با پیش‌قدمی ونیزیان شروع شد، چنین تصور می‌شود که وجود دشمن مشترک به نام ممالیک مصر بین ایلخانان و دولت‌های مسیحی، باعث نزدیکی و توجه این جمهوری‌ها به مراکز تجاری ایران شد. اما با دقت بیشتری به موضوع درمی‌یابیم که منافع حاصل از تجارت بود که در نهایت، موجب جذب تجار ایتالیایی به سوی ایلخانان و همچنین اقبال ایلخانان به طرف آنان شد؛ زیرا زمینه‌ها و معادلات روابط دولت‌شهرهای ایتالیایی با ایلخانان و به‌ویژه ونیزیان متفاوت با شرایط مناسبات ایلخانان با دیگر دولت‌ها و جوامع مسیحی اروپایی بود. برای مثال، کشمکش ایلخانان با ممالیک مصر موجب شد که میان مغولان ایران با صلیبیون سوریه و دولت‌های مسیحی اروپا به‌خصوص فرانسه و ژن روابط سیاسی مبتنی بر همگرایی برقرار شود؛ اما در چنین شرایطی ونیزیان از ممالیک حمایت کردند و در لشکرکشی مغول‌ها به شام، جانب مملوکان را نگه داشتند و در حمایت از پیروزی مملوکان در نبرد عین جالوت علیه مغولان نقش مهمی ایفا کردند (رانسیمان، ۱۳۶۰: ۱۳/۲۳۱). علت موضع متفاوت ونیزیان این بود که آن‌ها نمی‌خواستند پایگاه تجاری خود در سواحل شرق مدیترانه و از جمله اسکندریه مصر را به واسطه تیره شدن روابطشان با مملوکان مصر از دست دهند (همان، ۴۲۷)؛ به طوری که ونیزیان به‌رغم خواسته پاپ مبنی بر عدم حمایت از ممالیک و گرایش به ایلخانان، تا مدت‌ها براساس منافع تجاری‌شان، به برقراری روابط حسنه با ممالیک مصر و حفظ جایگاهشان در مراکز تجاری اسکندریه و دمیاط مصر مشغول بودند (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۵۰؛ Rosamond, 2006: 16). حتی در اوضاع بحرانی هم که روابط ونیز و مصر به دشمنی می‌گرایید، روابط تجاری ونیزیان با ممالیک قطع نمی‌شد و آن‌ها از طریق کورت، کالاهای تجاری خود را به مصر صادر می‌کردند (Ashtor, 1986: 536). پیوندها و منافع تجاری ونیزیان با ممالیک به حدی بود که حتی زمانی که مصر با اردوی زرین علیه ایلخانان متحد شده بود، تجار ونیز و جنوا واسطه بازرگانی بین ممالیک و اردوی زرین شده بودند (Rutz, 2007: 1). در این فضای آشفتۀ سیاسی حاکم بین ممالیک مسیحی اروپا و ممالیک مسلمان مصر و شاخه‌های ایلخانی و

اردوی زرین (آلتون اردوی)، بین تجار ونیزی و جنوایی رقابت‌های تنگاتنگ تجاری و بازرگانی حاکم بود؛ اما آن‌ها بدون ملاحظه‌دسته‌بندی‌های سیاسی حاکم، حفظ جایگاه تجاری و کسب سود از طریق مناسبات بازرگانی و به‌دست آوردن بازارهای جدید برایشان در اولویت بود (رضوی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

تا زمان شکل‌گیری مناسبات تجاری بین ایلخانان و تجار دولت‌شهرهای ایتالیایی، بخش اعظم تجارت ایتالیایی‌ها از طریق قلمرو شاخه‌ اردوی زرین مغولان با شرق صورت می‌گرفت. در این بخش، تجار جنوایی قبل از حمله مغولان به دشت قپچاق، در مرکز تجاری سوداق یا سولدایا در کریمه تجارت‌خانه‌هایی داشتند. این شبه‌جزیره که از توابع امپراتوری بیزانس بود، توسط جبه و سبتای، از سرداران چنگیز، در سال ۶۱۹ق/ ۱۲۲۲م مورد هجوم قرار گرفت و طی آن تجارت‌خانه‌های جنوایی غارت شد (گروسه، ۱۳۷۸: ۴۰۶)؛ اما چندی نگذشت که به اوضاع پیشین برگشت و موقعیت تجاری آن مورد حمایت مغولان دشت قپچاق قرار گرفت؛ زیرا در این زمان در مورد اینکه مسیر تجاری شرق آسیا با اروپا از طریق سرزمین‌ها و راه تجاری خوارزم-ولگا و از شمال دریای خزر به دریای سیاه باشد یا از طریق خراسان-آذربایجان-آناطولی، بین فرمان‌روایان مغول دشت قپچاق (موسوم به اردوی زرین) و فرمان‌روایان مغولی حاکم بر ایران (موسوم به ایلخانان) رقابت زیادی حاکم بود؛ به‌طوری که خوانین مغولی اردوی زرین در مقام واسطه‌های بازرگانی خاور آسیا با باختر اروپا درصدد گسترش مسیرهای تجاری چین و بخارا از طریق خوارزم و شمال دریای خزر به سمت اروپا بودند و به‌منظور دست‌یابی به چنین هدفی، بازرگانان را به درنوردیدن مسیر طولانی دربار خان مغول در خانبالیغ از طریق دنیپر و ولگا به کریمه، مرکز اصلی بازرگانان ایتالیایی در سواحل دریای سیاه، تشویق می‌کردند (لوکاس، ۱۳۷۶: ۱/۴۵۴). همچنان که در همین مسیر تجاری، مغول‌ها اغلب غنایمی را که از غارت نواحی مغلوب به‌دست آورده بودند، به قیمت نازل به تجار ایتالیایی می‌فروختند و درمقابل، کالاهای اروپایی مورد نیازشان را از آن‌ها می‌خریدند؛ به‌طوری که قافله‌های چینی و مغولی مال‌التجاره‌های آسیای مرکزی و شرقی، و تجار عرب و ایرانی ادویه‌جات، جواهر، اجناس و مصنوعات مختلف هندوستان را به مرکز خوارزم می‌بردند. این کاروان‌ها کالاهای

تجاری را تحت حمایت‌های خوانین اردوی زرین از طریق دشت قیچاق به مرکز کریمه در دریای سیاه و به محل استقرار کشتی‌ها می‌رساندند و سپس تجار ونیزی و جنوایی از راه سینوپ به ساحل بیزانس و اروپا انتقال می‌دادند (شیبانی، ۱۳۴۵: ۲/۵۳۸ و ۵۳۹). در این زمان جنوایی‌های فعال در بندر کریمه از طریق خوارزم، ادویه‌جات، جواهر، اجناس و مصنوعات مختلف هندوستان را به این بندر می‌آوردند و با کشتی به اروپای غربی حمل می‌کردند (همان، ۵۳۹).

به‌رغم سابقه حضور تجار ونیزی و جنوایی در مسیر تجاری شمال دریای خزر، در مسیر تجاری جنوب - که از خراسان به آذربایجان می‌گذشت - حضور تجار ونیز و جنوا و روابط آن‌ها با ایلخانان دیرتر و با آهنگ کندتری شروع شد. به نظر می‌رسد تا زمان گیخاتو که مناسبات ایلخانان با خوانین اردوی زرین در سرحدات شمالی ایران تیره بود، به جهت سیاست‌های خوانین اردوی زرین، تجار ایتالیایی چندان رغبتی برای برقراری مناسبات تجاری با مراکز تجاری واقع در قلمرو ایلخانان در ایران نداشتند. از زمانی که این مناسبات حسنه شد، به تدریج پای تجار ایتالیایی که عمدتاً جنوایی بودند، به برخی مراکز تجاری ایران گشوده شد (رضوی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). و صاف نیز به این روی داد اشاره کرده است: «در عهد گیخاتو چون نقای وارث مملکت منگوتیمور گشت به توارد رسل و تجارت مراسلات، راه تجار و ارتاقان گشاده شد» (وصاف، ۱۳۳۸: ۵۱). اما این گفته بدین معنا نیست که تا این زمان، مناسبات تجاری بین تجار ایتالیایی با ایلخانان وجود نداشت؛ زیرا خان‌های مغول حاکم بر ایران همانند خان‌های دشت قیچاق به عواید حاصل از تجارت آگاه بودند؛ به همین سبب از زمان هلاکو تجار ایتالیایی در تبریز استقرار یافته (بویل، ۱۳۸۷: ۵/۳۹۰) و به سال ۶۵۸ق / ۱۲۶۰م (در زمان هلاکو) اولین شرکت تجاری را در تبریز تأسیس کرده بودند (Morgan, 2000: 61) و یا آباقاخان در سال ۶۷۷ق / ۱۲۷۹م با صدور فرمانی به زبان مغولی، امنیت عبور و مرور را در راه‌ها تضمین و شرایط را برای رونق تجارت فراهم کرد (رضایی و کریمی، ۱۳۹۲: ۵۶). با وجود این، روابط تجاری ایران با ونیز و جنوا به گستردگی اولوس زرین نبود. دلیل این امر شاید ناشی از مناسبات تیره بین ایلخانان با خان‌های اولوس زرین و اولوس جغتای، برتری موقعیت خوانین مغول قیچاق در

جلب تجار ایتالیایی، و روابط بحرانی و آکنده از جنگ و جدال ایلخانان ایران با ممالیک مصر بود که موجبات ناامنی را در مسیرهای تجاری آناتولی، شام و مدیترانه فراهم کرده بود. غیر از تبریز، از این دوره تجار ونیزی و جنوایی در رقابت با هم، در حال گسترش نفوذ خود در دیگر مراکز تجاری ایران بودند. ونیزی‌ها درحالی که به منظور گسترش مناسباتشان با مراکز تجاری ایران در بندر هشرخان برای خود پایگاه تجاری تشکیل داده بودند، جنوایی‌ها هم در شمال دریای خزر مستقر شده و مراکزی را برای تجارت و حمل و نقل دریایی به راه انداخته بودند. کشتی‌های ونیزی از راه دریای خزر سالی شش یا هفت بار ابریشم و ادویه آسیا را به اروپا حمل می‌کردند و جنوایی‌ها مشغول رقابت با آن‌ها بودند (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۵۱)؛ به طوری که این رقابت در مواردی به تلاش برای کارشکنی در مقابل همدیگر هم منجر می‌شد. برای مثال در زمان ارغون‌خان، تجار جنوایی در رقابت با ونیزی‌ها که بیشتر جریان تجارت شرق به غرب را برعهده داشتند، پیش‌نهادهایی را به خان مغول دادند که گونه‌ای تلاش برای کاستن از نفوذ تجار ونیزی و عایدات تجاری آن‌ها بود؛ به طوری که در سال ۶۵۷ق/ ۱۲۸۸م سنای جنوا به وسیله ویلهلم آدام - که بعدها اسقف اعظم کاتولیک سلطانیه شد - طرحی را به ارغون‌خان پیش‌نهاد کرد که به موجب آن مسیر تجاری هند - دریای سرخ - مصر که به نفع ونیزی‌ها بود، به مسیر هند - هرمز - اصفهان - سلطانیه - ارض روم - قسطنطنیه تغییر می‌یافت (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و ونیز، ۱۳۵۲: ۱۳؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). این پیش‌نهاد هم به نفع ایلخانان مغول بود و هم به نفع جنوایی‌ها؛ زیرا از یک سو ایران به کانون این مسیر تجاری مبدل می‌شد و از دیگر سو به جای مصر به عنوان مرکز نفوذ اقتصادی ونیزی‌ها، قسطنطنیه و مدیترانه به عنوان کانون حضور جنوایی‌ها، به مقصد این مسیر تجاری تبدیل می‌شد. البته، این طرح بلندپروازانه در حد یک پیش‌نهاد باقی ماند و ایلخانان هیچ‌گاه نتوانستند آن را اجرا کنند؛ زیرا فاقد ناوگان دریایی لازم برای انجام این کار بودند. همچنین، در این میان درون دولت شهر جنوا بین تصمیم‌گیرندگان آن همچون جنوایی‌ها و گولف‌ها^۱ و گیبلین‌ها^۲ تنش و درگیری حاکم بود (Richard, 1952: 168-177).

1. Goulf
2. Giblen

۳. گسترش فعالیت تجار ونیزی و جنوایی در قلمرو ایلخانان

تلاش‌های تجار جنوایی برای گسترش نفوذ تجاری‌شان در ایران در زمان گیخاتو نتایج بیشتری داشت؛ به طوری که آن‌ها با استفاده از فرصت پیش آمده و رضایت خوانین مغولی دشت قپچاق، در زمینه انتقال ابریشم گیلان از طریق دریای خزر- دن- ولگا به اروپا موفقیت‌های بیشتری به دست آوردند (پولو، ۱۳۵۰: ۳۵). البته، در زمان گیخاتو گیلان، سرزمین ابریشم خیز ایران، تاحدودی مستقل از قلمرو سیاسی ایلخانی بوده و احتمالاً بازرگانان جنوایی در راستای فعالیت‌های تجاری خودشان در این ایالت، با تجار و حکام محلی این منطقه در ارتباط بوده‌اند (Bagrow, 1956: 5). اما اوج فعالیت‌های تجار ونیز و جنوا در ایران مربوط به زمان غازان و متمرکز در شهر تبریز بود؛ به طوری که در این دوره تبریز به مهم‌ترین مرکز تجاری شرق با غرب و به کانون عرضه و مبادلات کالاهای آسیایی و اروپایی مبدل شده بود. از فعالان اصلی این کانون تجاری، ونیزی‌ها بودند. ونیزی‌ها قبلاً بیشتر در مراکز تجری مصر عهده‌دار این وظایف بودند و حالا به علت ایجاد پاره‌ای اختلافات در مصر و فراهم شدن شرایط بهتر در قلمرو ایلخانان ایران، مرکز فعالیت‌های تجاری خود را از مصر به تبریز منتقل کرده بودند؛ به گونه‌ای که ونیزیان در مقام واسطه‌های تجاری آسیا و اروپا، در شهر تبریز مصنوعات ایتالیا و سایر بلاد فرنگ را با مصنوعات چین و هند و نیز با اطلس‌ها و مخمل‌ها و دیگر منسوجات ساخت خراسان، کاشان و یزد مبادله می‌کردند (مظاهری، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۷۴).

در دوره الجایتو نیز ونیزیان فعالیت‌های تجاری خود را با مراکز تجاری ایران گسترش دادند. سنای ونیز با فرستادن سفیری به نام توماس به ایران در سال ۷۰۵ق/ ۱۳۰۷م، برای جلب نظر رضایت الجایتو جهت حمایت از تجار ونیزی فعال در تجارت‌خانه‌های ایران بسیار تلاش کرد. در زمان ابوسعید هم تجار ونیزی بخش عمده فعالیت‌های تجاری خودشان را در تبریز و سلطانه متمرکز کرده بودند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۲؛ ویلبر، ۱۳۲۶۵: ۲۷؛ Howorth, 1888: 631). در این زمان سفیری ونیزی به نام میشل دالینو^۱ در سال ۷۲۰ق/ ۱۳۲۰م به ایران آمد و برای گسترش سهم تجاری ونیزی‌ها با ایران، قراردادهای

تجاری چشم‌گیری با ابوسعید منعقد کرد که از جمله آن عبارت‌اند از: تأسیس کنسولگری در ایران و ساختن سکونتگاه‌هایی برای راهبان مسیحی، اصلاح روش‌های مالیات‌گیری و تأمین امنیت بیشتر مسیرهای تجاری (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز، ۱۳۵۲: ۱۳). در آناتولی راه‌های تجاری پس از عبور از سلطان‌خان، آق‌خان، قیصریه و سیواس به سوی شرق و راه ایلغین، آق‌شهر، اسحاقلو و قونجارلو به سوی غرب می‌رفت (امامی، ۱۳۸۵: ۸۳). در دوره ایلخانان، تجار ایتالیایی و رومی و سایر دول غربی وارد علائیه، بندری در جنوب آناتولی، می‌شدند (همان، ۸۴). البته، فعالیت ونیزی‌ها در مراکز و مسیرهای تجاری ایران-آناتولی متمرکز نبود؛ بلکه آن‌ها در این دوره از طریق جزیره قبرس و ارمنستان صغیر و بندر ایاس^۱ کالاهای شرقی را به اروپا صادر می‌کردند. به‌نوشته مارکو پولو (۱۳۵۰: ۲۰)، بندر ایاس از بندرهای مهم بازرگانی و محل رفت‌وآمد بازرگانان کشورهای مختلف از جمله ونیز و جنوا بود.

جنوایی‌ها هم در رقابت با ونیزی‌ها، بیشتر در مراکز و مسیرهای تجاری شمال دریای سیاه یعنی در بندرهای کافا و تانا فعالیت می‌کردند؛ اما یکی از مشکلات این مسیر تجاری آن بود که اغلب به‌علت مناسبات بد ایلخانان و خوانین دشت قپچاق، مسدود بود و تجارت در آن با کندی و وقفه انجام می‌شد. بنابراین، تجار جنوایی از طریق دریای خزر به گیلان و مازندران می‌آمدند و به صدور ابریشم ایران می‌پرداختند. به‌نوشته مارکو پولو (۱۳۵۰: ۲۵) هم در قرن هفتم هجری دریانوردان ژن در دریای خزر کشتی‌رانی کرده، از طریق این دریا ابریشم گیلان را صادر می‌کردند؛ زیرا برای رفت‌وآمد جنوایی‌ها به ایران در این مسیر مشکلاتی وجود داشت. در حالی که در آن سوی منازعات سیاسی، ایلخانان و خوانین مغولی دشت قپچاق جهت افزایش درآمدهای مالیاتی خود از طریق رونق تجارت، به تسهیل جریان تجارت در مسیرهای شمالی حد واسط بین دریای خزر و دریای سیاه علاقه زیادی داشتند. به‌نظر می‌رسد باوجود ایجاد مناسبات حسنه بین طرفین در زمان گیخاتو،

۱. انصاری دمشقی (۱۳۸۲: ۳۳۴) ایاس را از شهرهای شام و نام اصلی آن را ایاذ ذکر کرده و آن را لنگرگاه شهر سیس بر کنار دریای مدیترانه دانسته است. با توجه به اینکه سیس پایتخت ارمنستان صغیر بود، ایاس نیز براساس نوشته مارکو پولو، از شهرهای ارمنستان صغیر به‌شمار می‌رفت.

هنوز موانعی در رفت و آمد تجار باقی مانده بود؛ به همین سبب ازبک، خان مغولی دشت قیچاق، سفیری را به دربار الجایتو اعزام کرد تا درباره راه کارهای رونق و گسترش تجارت در مسیر مذکور گفت و گو کند. نتیجه مذاکرات دوجانبه این شد که «راه بسته گشاده شود و امتعه و اقمشه طرفین که بر هم انباشته می‌پوسند و می‌ریزند و از جانبین بدان احتیاج است به یکدیگر فرستیم و تجار [...] برای فواید آمدوشد نمایند» (کاشانی، ۱۳۴۸: ۱۴۶). نتایج این اقدام به نفع تجار جنوایی هم بود؛ زیرا هم‌زمان با تمرکز فعالیت‌های تجاری و نیزی‌ها در مسیر تبریز - قسطنطنیه، جنوایی‌ها هم در شمال و در مسیر دریای خزر - دریای سیاه که به مراکز تجاری تانا و کافا در شبه جزیره کریمه ختم می‌شد، متمرکز بودند و از همین راه برای خرید ابریشم گیلان و انتقال آن به بندرهای دریای سیاه اقدام می‌کردند (ابن عمری، ۱۴۲۳: ۳ / ۲۴۱). ابن بطوطه به خوبی این مسیر و مراکز تجاری و تجارت فعال در آن را توصیف کرده است: «شهر ازاغ (تانا) بر ساحل دریا واقع شده است جنوایی‌ها و دیگران برای تجارت به آنجا می‌آیند و کفا شهری است بزرگ که در امتداد ساحل دریا واقع شده مردم آن مسیحی و غالباً از اهل جنوا هستند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۳۹۷). به نظر می‌رسد ارزان بودن ابریشم گیلان در قیاس با گرانی ابریشم چین به علت هزینه‌های زیاد حمل آن، موجب شد تجار جنوایی به خرید و انتقال ابریشم از دریای خزر به مراکز تجاری دریای سیاه علاقه ویژه‌ای داشته باشند (Tezcan, 2009: 168)؛ به طوری که غیر از مسیر شمال، بازرگانان جنوایی در زمان الجایتو و ابوسعید برای خرید و صدور ابریشم گیلان، به تبریز می‌آمدند و بخش مهمی از ابریشمی را که از طالش به تبریز آورده می‌شد، خریداری و به اروپا صادر می‌کردند (Lopez, 1943: 74). این اقدام نشان می‌دهد فعالیت‌های تجار جنوایی به مسیر تجاری دریای خزر - دریای سیاه محدود نبود؛ زیرا آن‌ها برای گسترش دامنه‌های تجارت با ایران از قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) غیر از تانا و کافا، فعالیت‌های خود را به مسیر تجاری تبریز - طرابوزان به دریای مدیترانه هم منتقل کرده و همپای نیزی‌ها و در رقابت با آن‌ها که سهم عمده تجاری این مسیر را داشتند، اقدام به انتقال ابریشم ایران به ایتالیا می‌کردند (Ibid, 169). بخش فرعی این مسیر تجاری در امتداد به شمال از طریق سراب و اردبیل به دربند در قفقاز و از آنجا دشت قیچاق متصل

می‌شد و پیونددهنده مناسبات تجاری نه‌چندان چشم‌گیر قلمرو خوانین دشت قیچاق و ایلخانان بود (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۳)؛ souther Italy and Florentine economy (onlinlibrary.wiley.com). همچنان که مسیر تجاری دریای سیاه- طرابوزان- تبریز از دیگر راه‌های ارتباطی تجار ایتالیایی با ایران بود و از بسترهای مبادلات تجاری شرق و غرب محسوب می‌شد (اشپولر، ۱۳۵۱: ۴۳۳).

۴. اقلام تجاری و کالاهای مبادلاتی

ابریشم یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین کالاهای تجاری در نظام مبادلاتی این دوره بود. ابن بطوطه از پارچه‌های ابریشمی به نام کمخا یاد کرده است که در بغداد، تبریز، نیشابور و چین تولید و به از میر ارسال می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۳۹۰). پگولوتی که در طول سال‌های ۷۳۱-۷۴۱ق / ۱۳۳۰-۱۳۴۰م از مراکز تجاری در شمال دریای سیاه از جمله تانا، کافا، سرای و آستاراخان و نیز از مراکز تجاری در جنوب همچون طرابوزان، تبریز و آناتولی دیدن کرده، ابریشم خام و تولیدات و منسوجات به‌عمل آمده از آن را غالب‌ترین کالای تجاری نامیده است (Pegolotti, 1936: 26-32; Tezcan, 2009: 170). در راستای انتقال ابریشم تولیدی ایران و دیگر کالاهای تولیدی شرق به اروپا، جنوایی‌ها در سال‌های ۷۰۳ و ۷۰۶ق / ۱۳۰۴ و ۱۳۰۷م در تبریز و طرابوزان تجارت‌خانه‌هایی برپا کردند (Tezcan, 2009: 174). آنان ابریشم ایران را از طریق تانا و کافا یا از راه طرابوزان به ایتالیا حمل می‌کردند (Ibid, 170). ونیزی‌ها نیز در رقابت با جنوایی‌ها سالی حدود شش تا هفت کشتی از ابریشم ایران و ادویه هند به اروپا می‌بردند (Canbek, 1978: 48). طبق یادداشت‌های پگولوتی، غیر از ابریشم در تانا واقع در شبه‌جزیره کریمه، کالاهایی مانند موم، آهن، قلع، سرب، مس، ادویه (مثل فلفل و زنجبیل)، کتان، روناس، پیه، پنیر، روغن، عسل، ابریشم، زعفران، کهربا (عنبر)، صابون، برنج و... در حجم زیاد (عمده) یا به مقدار کم (خرده) مبادله می‌شد. این تاجر فلورنسی براساس مشاهدات خود کالاهای صادرشده از طریق راه تجاری دشت قیچاق به دریای سیاه را که از طریق مسیر تجاری شمالی در تانا به تجار غربی فروخته می‌شد، به این شرح بیان کرده است: پوست سمور، قاقم، راسو، گریه

قطبی، گرگ، آهوی کوهی، پوست گاو، اسب، بوفالو و خز که عموماً در بسته‌های خاص خود عرضه می‌شد؛ همچنان که طلا و نقره، مروارید، گندم و همه نوع غله، شراب یونان و شراب فرنگ از محصولات و کالاهای اروپایی بود که در تانا تجار ونیزی و جنوایی به مشرق‌زمین منتقل می‌کردند. در مناسبات تجاری تانا، پول رایج سومو و آسپر بود که از نقره تهیه می‌شد. چهار درصد عواید حاصل از فعالیت‌های تجاری تجار ونیزی و جنوایی در مرکز تجاری کافا به‌عنوان عوارض مالیاتی دریافت می‌شد (Pegolotti, 1936: 26-32; Souther Italy & Florentine Economy;) (Pegolotti Pegolotti's Merchant Handbook).

با توجه به گسترش گارگاه‌های تولیدی و صنعتی در دولت‌شهرهای ایتالیا، صادرات جنوا و ونیز به شرق شامل شمش‌هایی در شکل‌های مختلف از جنس طلا یا نقره بود. همچنان که محصولات تجملاتی مثل پارچه پشمی، کتان، پوشاک و پارچه‌هایی از جنس خز شمالی، مرجان دریای مدیترانه، چوب، فلزات، مواد غذایی، شراب، روغن زیتون، میوه‌های خشک، عسل، حبوبات و غلات از دیگر اقلام صادراتی تجار ونیزی و جنوایی به بازارهای مشرق‌زمین بود (E. Laiou, 2002: 3-9). یکی دیگر از اقلام مهم تجاری این دوره که بین مغولان و تجار ایتالیایی رواج داشت، تجارت برده بود که عموماً در مسیر شمالی واقع در دشت قپچاق که به شبه‌جزیره کریمه در دریای سیاه ختم می‌شد، رواج داشت. تجارت برده و به‌ویژه صادرات آن از شرق به اروپا در این دوره مانند دیگر اقلام تجاری رایج بیشتر ناشی از تقاضایی بود که در دولت‌شهرهای ایتالیا و مصر نسبت به کار بردگان وجود داشت. آناتولی در مسیر انتقال بردگان از دشت قپچاق به سوی سواحل مدیترانه قرار داشت و تجار ایتالیایی از بندرهای دریای سیاه بردگان را برای فروش به سواحل مدیترانه می‌بردند (امامی، ۱۳۸۵: ۸۴). دشت قپچاق در حکم کانون اصلی گردآوری و صدور برده به بازارهای دریای سیاه بود که عموماً به‌واسطه لشکرکشی‌ها یا اوضاع بد اقتصادی و درقبال مالیات‌های معوقه، توسط خوانین مغول از بین اقوام روس، مجار و تاتار گردآوری و صادر می‌شد (ابن عمری، ۱۴۲۳: ۱۹۱/۳)؛ به‌طوری که حاکمان اردوی زرین از طریق خرید و فروش برده و عرضه آن در بازارهای اروپا که مورد توجه ویژه تجار جنوایی و ونیزی بود، استقبال و سود سرشاری را به‌دست می‌آوردند

1) (Dicosmo, no date). اروپاییان از بردگان خریداری شده برای کار در بازارهای مدیترانه یا در کارگاه‌ها و منازل ایتالیایی‌های ساکن کریمه استفاده می‌کردند (Philips, 1985: 1). همچنان که جنواییان کاروان‌های تجاری بسیاری را که حامل برده بودند، از طریق دریای سیاه یا از قلمرو ایلخانان در آناتولی به مصر می‌فرستادند (Rutz, 2007: 105). اریگو^۱ فهرستی از بندگان خرید و فروش شده در سال‌های ۷۶۷ و ۷۹۹ق/ ۱۳۶۶ و ۱۳۹۷م را که متعلق به یک کاروان تجاری بود، مورد توجه قرار داده است: ۲۷۴ تاتار، ۳۰ یونانی، ۸ روس، ۵ برده مسیحی بوسنیایی و ۲۲ مسلمان که در بین بندگان فقط ۲۸ مرد بودند و بقیه بندگان زن یا دختران جوان را شامل می‌شدند (Ibid). برده‌های مرد معمولاً در اسکندریه مصر فروخته می‌شدند؛ اما برده‌های زن را به سوی ایتالیا می‌بردند که شامل روس‌ها، چرکس‌ها و تاتارها بودند (Crouzet, 2005: 157-170).

در مسیر تجاری جنوبی که تجار ونیزی و جنوایی در فعالیت‌های تجاری رایج در آن نقش مهمی داشتند، ابریشم خام یا مصنوعات و پارچه‌های حاصل از آن که عموماً متعلق به چین و مراکز تولیدی ایران بود، مهم‌ترین محصول تجاری به‌شمار می‌رفت. هرچند در ابتدا بیشتر ابریشم چین مورد توجه بود، از قرن هفتم به‌بعد ابریشم تولیدی در ایران و از جمله گیلان شهرت بیشتری یافت و مورد توجه تجار ونیزی و جنوایی قرار گرفت. گیلان مهم‌ترین مرکز تولید ابریشم ایران بود و حمدالله مستوفی در کتاب *نزهت‌القلوب* مناطقی همچون تولم، رشت، فومن و لاهیجان، شفت و نیسار را مهم‌ترین مراکز تولید ابریشم گیلان یاد کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۳). در کنار گیلان، اردبیل، بردعه و دربند، شهرهایی همچون مرو، نیشابور، ری، یزد و کرمان نیز در زمینه تولید و عرضه ابریشم دارای جایگاهی ویژه بودند (بارتولد، ۱۳۷۵: ۳۹؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۵۶۰؛ Spuler, 1900: 17). ابریشم تولیدی ایران در این زمان از حیث کیفیت و حجم تولیدی به‌حدی رسیده بود که با ابریشم چین برابری می‌کرد؛ به‌طوری که مطابق اسناد تجاری ایتالیایی‌ها در قرون میانه، انواع ابریشم ایران مانند ابریشم استرآباد، گیلان، آمل و مازندران، دیلم و مرو شاه جهان دارای شهرتی ویژه بوده است (Heyd, 1975: 65).

1. Origo

علت توجه ویژه به ابریشم ایران توسط تجار ونیزی و جنوایی آن بود که در این زمان صنعت پارچه‌بافی و نخ‌ریسی ایتالیا به ابریشم نیاز ویژه‌ای داشت و ابریشم خام ایران یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین مواد لازم برای استفاده در کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی ایتالیا بود (Mattee, 1999: 1). یکی از رخ داده‌های اقتصادی این دوره در نظام اقتصاد دولت‌شهرهای ایتالیا گسترش کارگاه‌های بافندگی و تولید پارچه بود که همین امر تقاضا برای مواد خام مرتبط با تولید منسوجات را افزایش داده بود؛ به طوری که در قرن سیزدهم میلادی در فلورانس، بارسلونا^۱، مارسلی^۲ و چندین بندر ایتالیایی، صنعتگران به صورت تخصصی به تولید پارچه‌های ضخیم و خشن و پارچه‌های بادبانی می‌پرداختند. در مناطقی همچون سیسیل^۳، کالابریا^۴ و آپولیا^۵ هم پارچه‌های ارزان‌قیمت و باصرفه‌ای تولید می‌شد (Mazzaoui, no date: 1-2). در چنین اوضاعی، ونیز و جنوا به عنوان دو منطقه تجاری و صنعتی در شمال ایتالیا، صادرکننده و مرکز صدور پارچه‌های تولیدی ایتالیا بودند؛ به طوری که صادرات پارچه‌های تولیدی ایتالیا به آسیا و جوامع مختلف اسلامی یکی از اهداف تجاری مهم برای تجار ونیزی و جنوایی به شمار می‌رفت. در این دوره، پارچه فلورانسی، پارچه ابریشم لوکا و مخمل جنوا از مهم‌ترین صادرات تجار جنوا و ونیز به مراکز تجاری ایران و دیگر نواحی آسیا بود (Liscak, 2012: 27-28). تجار ونیز و جنوا که نقش واسطه را بین تجارت شرق و غرب ایفا می‌کردند، ابریشم را به قیمت ارزان از چین و ایران می‌خریدند و با کشتی‌های خود به شمال ایتالیا حمل می‌کردند و در بازارهای آنجا به قیمت گران‌تر می‌فروختند (Lopez, 1943: 74). به نظر می‌رسد ونیز و جنوا تنها دولت‌شهرهای ایتالیا بودند که بدون واسطه به ایران رفت‌وآمد می‌کردند و کالاهای تجاری را از طریق تبریز به اروپا می‌بردند؛ زیرا لوکا^۶ از دیگر دولت‌شهرهای ایتالیا بود که تجار آن عمده ابریشم خود را که تولید مازندران و گیلان بود، به واسطه بازرگانان جنوایی فراهم می‌کردند. در همین زمینه، لوکا در سال ۶۵۴ق/ ۱۱۵۳م با جنوا قراردادی منعقد کرد

1. Barcelona
2. Marsey
3. Sicil
4. Calabria
5. Apulia
6. Lucca

که به‌موجب آن در تجارت ناوگان‌های تجاری جنوا شریک می‌شد و جنوا با استفاده از کشتی‌های تجاری، ابریشم خام و ارزان را که از نواحی گیلان و اسپانیا و حوزه شرق مدیترانه ترانزیت کرده بود، به لوکا می‌داد (Rosamond, 2006: 23). همچنان که مناطق جنوبی ایتالیا و سیسیل هم بیشتر تولیدات ابریشمی خود را از ایران (منطقه گیلان) و بیزانس وارد می‌کردند (Ibid, 23).

ادویه کالای بسیار مهم و باارزش دیگری بود که در بازار ونیز ارزشی برابر با طلا داشت (ساندرین، ۱۳۸۴: ۹۵). ادویه‌جات مشرق‌زمین در قرون وسطی کالایی گران‌بها بود که در ساختن دارو، شربت، مرهم و عطر، نگه‌داری و کنسرو کردن مواد غذایی، و به‌عنوان چاشنی و از بین بردن بوی بعضی مواد غذایی کاربرد داشت (همان، ۹۸). بازرگانان ونیزی و جنوایی برای خرید ادویه هند تلاش زیادی می‌کردند. آنان ادویه‌جات هندی همچون میخک، فلفل سفید، زنجبیل، فلفل سیاه، زعفران، هل و دارچین را می‌خریدند (همان، ۹۸) و از طریق کابل به اورگنج و آستاراخان یا با عبور از ایران به استرآباد و از آنجا به‌وسیله قایق به آستاراخان و از آنجا به اروپا منتقل می‌کردند (Gorden, 1950: 316). زعفران از دیگر موادی بود که در ایتالیا تقاضای زیادی برای آن وجود داشت؛ به‌طوری که ارزش زعفران در اروپا بیشتر از فلفل بود (Summary, 2000: 59).

۵. نتیجه

سلطه مغولان بر بخش‌های زیادی از آسیا و اتحاد آنان با دولت‌های مسیحی اروپا و از سوی دیگر در اختیار گرفتن جاده‌های تجاری آسیا با اروپا- که در شمال و جنوب دریای خزر امتداد داشت- فرصتی مناسب برای تجار جنوایی و ونیزی فراهم کرد تا بتوانند از جغرافیای سیاسی پدیدآمده و گرایش ایلخانان به سوی غرب بهره‌برند و به ایجاد مناسبات تجاری با ایران پردازند. استقرار حکومت ایلخانان در ایران، امنیت ایجادشده در طول راه‌ها و همچنین ارتباطی که با حکومت مغولی مستقر در چین به‌وجود آمد، امکان مناسبی را برای رفت‌وآمد تجار و انتقال کالاهای چینی به ایران فراهم آورد. در این میان، تجار ونیزی و جنوایی که مشتاق خرید کالاهای شرق بودند، توانستند بین چین و هند با مراکز تجاری

ایران مانند تبریز و سلطانیه ارتباط برقرار کنند. آنان در کنار تولیدات ایرانی، محصولات صادراتی شرق آسیا را نیز در تبریز به دست آوردند. همچنین توانستند با حذف واسطه تجاری شرق و غرب به نام ممالیک مصر، اقدام به خرید مستقیم این کالاهای شرقی کنند و از حمایت خان‌های مغولی در این راه بهره‌مند شوند. تجار این دو جمهوری همواره در پی منافع تجاری خود بودند و تا زمانی که ممالیک مصر منافع ونیزی‌ها را تأمین می‌کردند، با آن سرزمین تجارت می‌کردند؛ اما با از بین رفتن منافع تجاری آنان در مصر، از آن پس بیشتر به ایلخانان توجه کردند. در پی گسترش مناسبات تجاری بین ایلخانان با تجار ونیز و جنوا، آنان کالاهای تولیدی ایران مانند ابریشم خام، مروارید، رنگ، زاج، پتاس، پنبه و... در کنار تولیدات شرق آسیا را که صنایع اروپایی به آن‌ها نیاز داشت، به اروپا منتقل می‌کردند و در مقابل، تولیدات غربی را به ایران می‌آوردند و از این راه سود فراوانی می‌بردند. در کنار آن، ایلخانان نیز با گسترش مناسبات تجاری با غرب چه از طریق دریافت مالیات از کاروان‌های تجاری و چه با مشارکت در امور تجاری، عواید فراوانی به دست می‌آوردند.

دوره ایلخانان آغاز مناسبات تجاری ایران با غرب بوده است. از آن پس، این مناسبات شکل گسترده‌ای یافت و در دوره تیموریان، ترکمانان آق‌قویونلو و صفویان به اوج رسید. از برقراری مناسبات تجاری بین ایران با تجار ایتالیایی می‌توان دریافت که موقعیت جغرافیایی ایران به خصوص تبریز برای ایجاد پیوندهای تجاری بین شرق و غرب تا چه حد اهمیت داشته است و به واسطه ایجاد این پیوند، درآمدهای کلانی عاید حکومت‌ها و مردم می‌شد؛ اما امروزه این جایگاه تجاری و اقتصادی فراموش شده است. با رویکرد اقتصادی به گذشته، این توانایی‌ها را می‌توان شناخت و احیا کرد تا از این طریق، به رونق اقتصاد کشور کمک کرد. از سوی دیگر، مناسبات تجاری بین ایلخانان با دولت‌شهرهای ایتالیا مقدمه‌ای برای گسترش مناسبات سیاسی و فرهنگی با غرب در دوره‌های بعد شد.

منابع

- ابن بطوطه، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد (۱۳۷۶). **سفرنامه ابن بطوطه**. ترجمه محمدعلی موحد. چ ۶. تهران: آگه.
- ابن عمری، شهاب‌الدین احمد بن یحیی بن فضل الله (۱۴۲۳ق). **المسالك الابصار فی ممالک الامصار**. ج ۳. ابوظبی: المجمع الثقافی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۵۱). **تاریخ مغول در ایران**. ترجمه محمود میر آفتاب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز (بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچانا) (۱۳۵۲). مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰). **تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری**. ج ۱. تهران: نشر نامک.
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۲). **نخبه‌الدهر فی عجایب البر و البحر**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- امامی خوی، محمدتقی (۱۳۸۵). «تجارت و راه‌های ارتباطی آناتولی در زمان ایلخانان». **فصلنامه شناخت** (نشریه زبان و ادبیات). ش ۵۲. صص ۷۷-۹۲.
- بارتولد، ولادیمروویچ (۱۳۷۵). **جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام**. ترجمه لیلا ربن‌شه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بویل، جی. آ. (۱۳۸۷). **تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان تاریخ ایران کمبریج**. ترجمه حسن انوشه. ج ۵. چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- پولو، مارکو (۱۳۵۰). **سفرنامه مارکو پولو**. مقدمه جان ماسفیلد. ترجمه حبیب‌اله صحیحی. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۱). «ابریشم گیلان». **فصلنامه شناخت** (نشریه زبان و ادبیات). ش ۳۴.

- جوادى، حسن (۱۳۷۸). **ایران از دید سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل دوره صفویه**. تهران: نشر بوته.
- ساندرین، میرزا (۱۳۸۴). **به‌دنبال مارکو پولو**. ترجمه بیتا شمسینی. تهران: ققنوس.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شیبانی، عبدالحسین (۱۳۴۵). **تاریخ عمومی قرون وسطی**. ج ۲. تهران: اشرافی.
- شبارو، عصام محمد (۱۳۸۰). **دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام**. ترجمه شهلا بختیاری. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رانسیمان، استیون (۱۳۶۰). **تاریخ جنگ‌های صلیبی**. ترجمه منوچهر کاشف. ج ۳. چ ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۹۰). **شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان**. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- لوکاس، هنری (۱۳۷۶). **تاریخ تمدن**. ج ۱. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). **تاریخ اولجایتو، تاریخ پادشاه سعید غیاث‌الدین و الدنیا اولجایتو سلطان محمد طیب‌الله مرقد**. به‌اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کریمی، علیرضا و محمد رضایی (۱۳۹۲). «روابط تجاری ایران و جنوا در دوره ایلخانان». **فصلنامه تاریخ اسلام و ایران**. س ۲۳. ش ۱۸ (۱۰۸). صص ۵۱-۶۸.
- گروسه، رنه (۱۳۷۸). **امپراتوری صحرانوردان**. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲). **نزه‌القلوب**. تصحیح گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- مظاهری، علی (۱۳۷۲). **جاده ابریشم**. ترجمه ملک ناصر نوبان. ج ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*. ترجمه عبدالله فریار. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله (۱۳۳۸). *تاریخ وصاف‌الحضره*. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. تهران: کتاب‌خانه ابن سینا و کتاب‌خانه جعفری تبریز.
- Ashtor, Eliyahu (1986). *East-West Trade in the medieval Mediterranean*. Edited by Benjamin Z. Kedar. Variorum Reprints London.
- Bagrow, I. (1956). *Italian on the Caspian*. Imago Mandi. Vol. 13.
- Cahen, Calude (1979). *Osmanlılardan Önce Anadolu da Türkler*. Çev. Yıldız Moran. Istanbul.
- Canbek, Ahmet (1978). *Kafkasyanın Ticaret Tarihi*. Istanbul.
- Crouzet, Elisabeth (2005). *Venice Triumphant, the horizons of a myth*. University Baltimor and London Press.
- Dicosmo, Nicolo (No Deat). *Mongols and Merchants on the Black Sea Frontive in the Thitteenth. Fourteenth Centuries*.
- E. Laiou, Angeliki (2002). *The Economichistory of Byzantium, from the Seventh Through the Fifteen Century*. Published by Dumbarton Oak Research Library and Collection Washington D.C.
- Erdem, Ilhan (1995). *Türkiye Selçuklu-İlhanlı İktisadiö Ticari İlişkileri ve Sonuçları (1258-1308)*. Ankara.
- Gorden East, Wiliam (1950). *A Historical Geography of Europe*.
- Heyd, W. (1975). *Yakın- Döğüticaretarihi*, Türkiçeye Çeviren Enver Ziya Karal. Turk Tarih Kurumu, Ankara.
- Howorth, Henry (1888). *History of Mongols from the 9th to 19th Century*. Partiii, the Mongols of Persia. NewYork, Franklin.
- Liscak, Vladimir (No Deat). *Italian City State and Catholic Missions in Mongolian World of the 13 and 14 Century*.
- Lopez, R (1943). "European Merchant in the Medival Indies: the Evidence of Commercial Document". *Journal of Economic History*. 3.
- Matthee, Rudolph (1999). *The Political of Trade in Safavidiran, Silk for Silver 1600-1730*. Cambridge University Press.

- Mazzaoui, Maureen Fennel (No Deat). *The North Italian Cotton Industry 1200-1800*. University of Wisconsin-Madison.
- Morgan, David (2000). *The Mongol Empire and its Legacy*. Brill Publication, London.
- Pegolotti, Francesco Balducci (1936). *La Pratica Della Mercatura*. Edited by Allan Evans. Instructor in History Harvard University.
- Philips, William (1985). *Slavery from Roman Times to the Early Atlantic Trade*. Published in the United Kingdom by Manchester Press.
- Richard, J. (1952). *An Account of the Battle of Hattin Referring to the Frankish Mercenaries in Oriental Moslem State*.
- Rosamond, E. Mack (2006). *Bazaar to Piazza, Islamic Trade and Italian art 1300-1600*. University of California Press.
- Rutz, Marino (2007). *Italian Trade with Black Sea Slaves in the Middle Ages*. University of Trier Southern Italy and Florentine Economy 1265-13701. Online Library.wiley.com.
- Spuler, Bertold (1900). *Trade in the Eastern Islamic countries in the Early Centuries, Islam and Trade of Asia*. Edited by D.S. Richards. Published by the Near Eastern History Group Oxford and Near East Center University of Pennsylvania.
- Summary, Dozudo Palmer, *the Spice Trade and Its Important for European Expansion*, Issue Number 4
- Tezcan, Mehmet (2009). "ürk-Moğol Hakimiyeti Döneminde Karadeniz de Ticaret". *Tarih İncelemeleri Dergisi*. Vol. XXIV. Sayı 1. 2009. 151-194.
- www.Pegolotti Pegolotti's Merchant Handbook.